



مشاوران آموزش

ناشر تخصصی علوم انسانی



مشاوران آموزش

ناشر تخصصی علوم انسانی

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،
کوچه مهر، پلاک ۱۸
تلفن: ۶۶۹۵۳۳۰۵

دفتر فروش

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شماره کتابشناسی ملی

حیدربکی، بهروز، ۱۳۷۰ -
ترجمه، تعریب و مفهوم / مؤلف بهروز حیدربکی؛
ویراستاران علمی شاهو مرادیان، آریا ذوقی، مختار حسامی؛
ویراستاران فنی الهام رضایی، ملیحه حشمتی.
تهران: مشاوران آموزش، ۱۴۰۰.
۲۸۸ ص: ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س م.
مجموعه کتاب‌های موضوعی.
۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۳۲۲-۴ :
فیا
مرادیان، شاهو، ۱۳۶۷ -، ویراستار
ذوقی، آریا، ۱۳۷۴ -، ویراستار
حسامی، مختار، ۱۳۵۸ -، ویراستار
۸۶۷۰۹۳۹ :



آشنایی با گروه تولید کتاب ترجمه، تعریب و مفهوم

خانوادهٔ تألیف

- مؤلف: بهروز حیدربکی
- ویراستاران علمی: شاهو مرادیان، آریا ذوقی، مختار حسامی
- ویراستاران فنی: الهام رضایی، ملیحه حشمتی

خانوادهٔ چاپ و طراحی

- نظارت بر چاپ: عباس جعفری
- طراح جلد: آذر سعیدی‌منش
- طراح لیاوت و گرافیک: آذر سعیدی‌منش
- گروه صفحه‌آرایی: الهه ابراهیمی، طرلان محمدی، سمیه نجار
- حروف‌نگار: فاطمه نوری‌زاده

پیشگفتار

سخن ناشر

برای همه آن‌هایی که دلشان می‌خواهد به نقاط حساسشان حمله کنند باید آفرین گفت. منظورم از نقاط حساس، نقاطی است که به‌طور معمول دلمان نمی‌خواهد به آن‌ها توجه کنیم و می‌خواهیم سریع و سرسری از روی آن‌ها رد شویم و اصلاً دلمان نمی‌خواهد که حتی خودمان ببینیم چه برسد به دیگران. الزاماً این نقاط حساس، ویژگی‌های منفی ما نیست بلکه نقاط مثبتمان نیز می‌تواند از نقاط حساس باشد؛ گاهی آدمی که مهربان است مهربانی‌اش را پشت سدی می‌گذارد و به دیگران و حتی خودش نشان نمی‌دهد مبادا که از مهربانی‌اش استفاده یا سوءاستفاده‌ای شود و این‌گونه خودش را سانسور می‌کند.

در دوره تحصیل، به‌خصوص در سال آخر تحصیل وقتی می‌خواهیم درگیر تغییر موقعیت بشویم و از دانش‌آموزی به سمت دانشجویی برویم نقاط حساسی که از خودمان پنهان کرده بودیم بیشتر و بیشتر خودشان را آشکار می‌کنند و به رخ می‌کشند؛ ناتوانی‌هایمان را بیشتر و بیشتر می‌بینیم. و دقیقاً به همین دلیل است که می‌گوییم این دوران، بهترین دورانی است که به همراه قبول شدن در دانشگاه می‌توانید تغییر بنیادینی نیز بکنید و نقاط حساستان را بشناسید تا خودتان را وسعت بخشید. چگونه؟ با روش درست برخورد با نقاط حساس. هر تغییری الزاماً نیازمند روش درست است، روش درست را باید کشف کرد یا از کشف دیگران استفاده کرد. کتابی که در دست دارید روش درست کشف‌شده توسط مؤلف را در اختیار شما می‌گذارد که به نقطه حساس عربی حمله کنید. امیدوارم هم قدرش را بدانید و هم نتیجه عالی بگیرید.

وحید تنها

مقدمه مؤلف

تقدیم بہ کودکان لے سربیسٹ و بڈسربیسٹ

بیردہ اول: تصوّر کنید دارید وسط یک کوچہ نسبتاً تاریک راہ می‌روید. در همین حال نور ماشینی را از پشت سر حس می‌کنید. کنار می‌روید تا ماشین رد شود!

بیردہ دوم: سوار تاکسی هستید. به مقصد که می‌رسید احتمالاً می‌گویید: «آقا ممنون!» راننده هم نگه می‌دارد و شما پیاده می‌شوید!

بیردہ سوم: به درد دل دوستی گوش می‌دهید. از حرف‌هایش، لحنش، مدلش و حال و هوایش، خیلی از چیزهایی را که نمی‌گویید، می‌فهمید!

بیردہ چهارم: با دوستی قرار دارید. با حالت اخم و ناراحتی‌اش روبه‌رو می‌شوید. نگاهش هزاران حرف دارد!

بیردہ پنجم: زبان انگلیسی‌تان خوب است. دارید سریال را به زبان اصلی می‌بینید.

بیردہ ششم: می‌خواهید متنی را ترجمه کنید. به دانش زبانی‌تان و البته فرهنگ لغت‌ها تکیه می‌کنید! همه این‌ها ترجمه‌اند، همه ما مترجمیم؛ کَلْنَا مُتَرْجِمًا!

من به معنای واقعی کلمه غرق در دنیای عجیب و پیچیده ترجمه شده‌ام؛ عشق می‌کنم! درباره ترجمه هزاران ساعت می‌شود حرف زد. به‌هرحال، به دنیا و کتاب ترجمه من خوش آمدید!

درباره کتاب

چرا «ترجمه، تعریف و مفهوم»؟! چون:

- بخش بزرگی از سؤالات کنکور را تشکیل می‌دهند.
 - همان ابتدای سؤالات هستند و اعتماد به نفستان را زیاد می‌کنند.
 - تقریباً جای‌جای سؤالات عربی کنکور حضور دارند.
 - و خب البته همه زبان هم، همین‌ها هستند و بقیه موارد ابزارند.
- کتاب را به دو بخش کلی «ترجمه و تعریف» و «مفهوم» تقسیم کردم.
- در بخش ترجمه و تعریف، جداگدا به هر کدام از مواردی که برای حل سؤالات (رد گزینه) نیاز دارید، پرداختیم؛ مثلاً یک بخش فعل‌ها هستند، یک بخش اسم‌ها و ... نکات هر کدام را کامل کامل با دسته‌بندی‌های مشخص و منطقی گفتم، برای هر نکته، نمونه تستی خواهید دید، «آزمونک»‌ها بعد از پرداختن به چند بخش، استراحتی به شما می‌دهند تا مطالب قبلی را مرور و تثبیت کنید. پایان هر فصل هم **آزمون** خواهید دید. شما برای حل سؤالات ترجمه و تعریف به **قانون**‌هایی نیاز دارید که من تمام و کمال همه را برایتان آوردم. تست‌هایمان تلفیقی از تست‌های کنکور و تألیفی‌اند؛ هم باید با سبک و سیاق کنکور (مخصوصاً نظام جدید) آشنا شوید و هم تست‌های تألیفی استاندارد ببینید و ترستان برای کنکور خودتان بریزد.

به هیچ وجه در کتاب از من جلو نزنید، قدم به قدم با خودم پیش بیایید. کلی فکر کردم که ترتیب منطقی تدریس ترجمه را برای دانش آموز کنکوری (در هر سطحی) پیدا کنم. اگر با من آشنا باشید می دانید که کتاب هایم مختص همه است؛ نه صرفاً بخشی از دانش آموزان! آرام آرام و باطمینان پیش بروید.

در بخش مفهوم یک سری نکته و پند و اندرز بهتان گفتم و مفاهیم کتاب های درسی و مهم زبان عربی را برایتان آوردم، طبیعتاً این بخش آزمون هم دارد. آخر کتاب ۱۵ **آزمون جامع** ۱۵ سؤالی خواهید دید. با چشمان کاملاً باز حلسان کنید. **پاسخنامه** کتاب های من در مشاوران آموزش زبان زد است؛ فراتر از درسنامه!

این کتاب هم از همین سنت پیروی می کند، پاسخنامه ای در حد و اندازه کتاب **تیزشیم عربی!** بعد از تمام کردن این کتاب، شما استاد ترجمه کنکورید، فقط باید بیشتر تست بزنید. ضمناً روی جلد کتاب از قول من نوشته شده: **«دو بار بخوانید!»** وقتی کتاب را تمام کردید، قلم به دست بگیرید و برگردید به ابتدای کتاب و یک بار دیگر تمام تست ها را با همه روش هایی که یاد گرفتید، حل و تحلیل کنید.

من در انتشارات زندگی کردم، تجربه کسب کردم، گفتم، خندیدم، یاد گرفتم و خلاصه بزرگ شدم؛ به خوبی می دانم برای اینکه کتابی به دست شما برسد چه زحمات ها که کشیده نمی شود!

برای به ثمر رسیدن این کتاب هیچ ادعایی ندارم.

متواضعانه سپاسگزارم از:

- دکتر احمد خداداد، مدیر عامل، مدیر تألیف و مغز متفکر انتشارات مشاوران آموزش که چند سال است در کتاب های عربی اش به من اعتماد کرده و لطف داشته. این بیست و هفتمین کتابی است که نوشتم، یادم هست در اولین کتابی که می نوشتم نظرات احمد را می شنیدم و جلو می رفتم. به نظرم ما در عرصه تألیف در کنار هم رشد کردیم. جدای از این ها به نظرم احمد دوست متفاوتی است. دمت گرم احمد!

- دکتر مهناز حامدی، مسئول پروژه صبور، خوش اخلاق و دقیقی که هم در جایی که وظیفه اش بود کمکمان کرد و هم در جاهای دیگر کمک حال مان بود. ممنونم خانم حامدی!

- خانم الهام رضایی که خیالم را از ویرایش فنی و نظم کتاب کاملاً راحت کرد، زمان و انرژی گذاشت و با دقت و حوصله مثال زدنی اش کمک حالم بود. خیلی ممنونم!

- خانم سلیمان زاده که پشت صحنه زحمت کشید و باعث شد با خاطری آسوده بنویسم. قدردان زحماتتان هستم!

- خانم عسگری و خانم حشمتی که در کنار خانم رضایی زحمت کشیدند و آقای براتی که زحمت بخش فنی را بر عهده داشتند.

دوستان یاسوادم؛ آقایان مرادیان، حسامی و ذوقی که ویرایش علمی کتاب را بر عهده داشتند و کتابمان را کم غلط تر کردند. شکر! لکم!

- خانم ابراهیمی و همکاران که کار دشوار صفحه آرای کتاب را بر عهده داشتند و کتابمان را آراستند.

- خانم سعیدی منش که بار گرافیکی کتاب بر دوشان بود.

و از همین جا سلامی به آقای تمنا بدهم و دستش را به گرمی بفشارم؛ دوست و مدیری که مؤلف را شکل اسکناس نمی بیند؛ بلکه همه را انسان می پندارد!

دبیران و همکاران عزیز و دانش آموزان خوبم؛ پذیرای نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما برای ارتقای کتاب هستیم. می توانید از طریق آیدی زیر مستقیماً با بنده، در ارتباط باشید.

📍 @Behrooz_heydarbaki

امیدوارم روزی بتوانم این کتاب را در کلاس شما درس بدهم.

ارادتمند همگی
بهروز حیدربکی

فهرست . . .

پرده اول؛ ترجمه و تعریب

فصل اول: آغاز راه؛ فعل‌ها ۱۳ - ۵۹

زمان و ساختار ۱۴ صیغه فعل‌ها ۳۰ معلوم و مجهول ۳۳ لازم و متعدی ۳۸
فعل‌های ثلاثی مجرد و مزید ۴۳ آزمون‌های ۳، ۲، ۱ و پاسخ ۵۰

فصل یک و نیم: تنمۀ فعل‌ها ۶۰ - ۸۴

افعال ناقصه ۶۱ فعل‌ها در اسلوب شرط ۶۹ آزمون‌های ۲، ۱ و پاسخ ۷۶ نیم‌نگاهی بر فعل‌ها ۸۲

فصل دوم: اسم‌ها ۸۵ - ۱۲۵

اسم‌ها ۸۶ عددها ۹۴ تأثیر وزن اسم‌ها بر ترجمه ۱۰۱ آزمون‌های ۳، ۲، ۱ و پاسخ ۱۱۲
نیم‌نگاهی بر اسم‌ها ۱۲۳

فصل سوم: حروف سرنوشت‌ساز + ترجمۀ اصطلاحات ۱۴۱ - ۱۴۶

حروف ۱۲۷ تنمۀ حروف + اصطلاحات مهم ۱۳۲ آزمون و پاسخ ۱۳۶ نیم‌نگاهی بر حروف ۱۴۰

فصل چهارم: تنمۀ قواعد ۱۷۰ - ۱۴۲

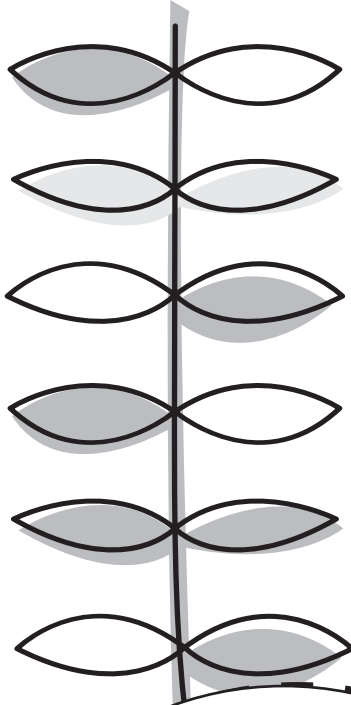
رعایت نقش‌ها در ترجمه ۱۴۳ آزمون‌های ۲، ۱ و پاسخ ۱۶۳ نیم‌نگاهی بر قواعد ۱۷۰

پرده دوم؛ مفهوم

مفهوم ۱۷۲ آزمون‌های ۱ تا ۴ و پاسخ ۱۹۳ نیم‌نگاهی بر مفهوم ۲۰۶ قانون‌های کلی ۲۰۷

آزمون‌های جامع

آزمون‌های جامع ۲۰۸ پاسخنامه ۲۵۸ ضمیمه ۲۸۸



فصل اول

آغاز راه؛ فعل‌ها

زمان و ساختار / صیغه فعل‌ها / معلوم و مجهول / لازم و
متعدي / فعل‌های ثلاثی مجرد و مزید

ما برای رسیدن به جواب تست‌ها، می‌فواهیم رد گزینه کنیم و فعل‌ها از بهترین‌ها در این زمینه‌اند. غالباً با فعل‌ها می‌توان حداقل یکی دو گزینه را رد کرد! درباره فعل‌ها باید موارد زیر را بررسی کنیم:

زمان و ساختار، صیغه فعل‌ها، معلوم و مجهول، لازم و متعدی، ثلاثی مجرد و مزید.

۱. البته بعضی تست‌ها فعل ندارند یا اینکه می‌شود با دیگر کلمات سریع‌تر به جواب رسید!



زمان و ساختار

فعل‌ها از نظر زمان و ساختار به ۵ دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. ماضی: كَتَبْتُ: نوشتی

۲. مضارع: تَكْتُبُ: می‌نویسی

۳. امر: اُكْتُبْ: بنویس

۴. نهی: لا تَكْتُبْ: ننویس

۵. مستقبل: سَتَكْتُبُ، سَوْفَ تَكْتُبُ: خواهی نوشت

البته شما باید با انواع و اقسام فعل‌ها و مثلاً امر و نهی غایب و متکلم هم آشنا باشید. فرارمان این است که قواعدمان حداقل متوسط باشد. برویم تست ببینیم:

تست؟ «وقتی دیدم دوستم سه بیت از قصیده را حفظ کرده، من هم ده تا مثل آن را حفظ کردم!»:

(تهری ۹۴)

۱) لَمَّا شَاهَدْتُ زَمِيلِي يَحْفَظُ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنْ شِعْرِ، أَنَا كَذَلِكَ أَحْفَظُ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا!

۲) حِينَ أَشَاهَدُ زَمِيلَتِي تَحْفَظُ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنْ قَصِيدَةٍ، أَنَا أَيْضاً حَفِظْتُ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا!

۳) عِنْدَمَا رَأَيْتُ أَنْ زَمِيلَتِي قَدْ حَفِظَتْ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنَ الْقَصِيدَةِ، أَنَا أَيْضاً حَفِظْتُ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا!

۴) حِينَمَا بَرِي زَمِيلِي أَنِّي قَدْ حَفِظْتُ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنْ هَذِهِ الْقَصِيدَةِ، هُوَ أَيْضاً حَفِظَ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا!

پاسخ :: «دیدم، حفظ کردم» هر دو ماضی‌اند که فقط در گزینه «۳» به زمانشان توجه شده! البته طبیعتاً این تست با راه‌های دیگری هم حل می‌شود که فعلاً محل بحث ما نیست.

تست؟ «رَبَّنَا! إِنَّ تَذَهَبَ عَنَّا شَرٌّ مَا قَدَّمْنَا، فَسِنَدُوهُ الْحَلَاوَةَ فِي الْعَاقِبَةِ!»:

۱) خدایا! اینکه شر آنچه را از پیش فرستاده‌ایم از ما برطرف می‌کند، شیرینی عاقبت را به ما می‌چشانی!

۲) پروردگارا! اگر شر آنچه را که پیش فرستاده‌ایم از ما برطرف کنی، در پایان، شیرینی را خواهیم چشید!

۳) پروردگارا! اگر بدی‌هایی را که از قبل انجام داده‌ایم از ما برداری، ذائقه حلاوت را در عاقبت خواهیم یافت!

۴) خدایا! اینکه بدی را از آنچه از قبل انجام داده‌ایم برمی‌داری، ذائقه شیرینی را در عاقبت به ما می‌چشانی!

پاسخ :: «سِنَدُوهُ» (سَد + مضارع) معادل مستقبل است که گزینه‌های «۱» و «۴» را می‌فرستد پی

سرنوشتشان! اندکی معنای واژه بلد باشیم هم، گزینه «۳» را با همین کلمه رد می‌کنیم.

(جواب: گزینه «۲»)

فعل ماضی

الف) ماضی ساده

همان ماضی بی‌شبه و پیله خودمان است:

«سَمِعْنَا صَوْتَ الْمَدِيرِ مِنَ السَّاحَةِ: صدای مدیر را از حیاط شنیدیم.»

ماضی نقلی را اکثراً با «قد + ماضی» خواهید دید:

«قد جِئْتُ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ إِلَى مَدِينَتِكُمْ: از جایی دور به شهرتان آمده‌ام.»

«حَالاً بَرَوِیم سِرَاعَ مَاضِي مَنْفِي:»

«ا» یک راه این است که هر دو را با «ما» منفی کنیم:

ما سَمِعْنَا: نشنیدیم ما قد جِئْتُ: نیامده‌ام

«۲» از «لَمْ + مضارع» هم می‌توانیم استفاده کنیم:

لَمْ نَسْمَعْ: نشنیدیم، نشنیده‌ایم

می‌بینید که «لَمْ + مضارع» هم معادل ماضی ساده منفی است و هم معادل ماضی نقلی منفی! در جمله مشخص می‌شود!

تذکره: گاهی با توجه به سبک و سیاق جملات، می‌توانیم ماضی ساده را نقلی ترجمه کنیم اما نمی‌توانیم ماضی نقلی را ماضی ساده ترجمه کنیم.

تست؟ «أمر الله الإنسان أن ينتفع بالنعم والمواهب الإلهية للحركة نحو الرشد والكمال!»:

(فارج از کشور ۸۶)

- ۱) خداوند به انسان امر کرده است تا از نعمت‌ها و موهبت‌های الهی برای حرکت به سوی رشد و کمال بهره برد!
 - ۲) پروردگار به بشر دستور داده که از نعمت و مواهب خدایی برای هدایت و تکامل به سمت او بهره‌برداری کند!
 - ۳) خداوند انسان را امر کرده به اینکه از برکات و نعمت‌های او برای تحرک و رشد و کمال سود بجوید!
 - ۴) پروردگار ما به بشر دستور استفاده از نعمت‌ها و موهبت‌های خود را برای سیر به سوی رشد و کمال داده است!
- «پاسخ»: در این تست «أمر» که ماضی ساده است به صورت ماضی نقلی ترجمه شده! (جوابش هم گزینه «۱» است!)

خب! تست ببینیم از ماضی ساده و نقلی!

تست؟ «لن أضرعَ مُعْتَذِرَةً إِلَّا إِلَى رَبِّي، لَأَنِّي قَدْ آمَنْتُ بِأَنَّهُ هُوَ الْغَفَّارُ الْمُتَفَضَّلُ عَلَيْنَا!»: (تهری ۸۹)

- ۱) فقط به پروردگارم عذرخواهانه التماس خواهم کرد، زیرا من ایمان آورده‌ام که فقط اوست که نسبت به ما بسیار آمرزنده و کریم است!
- ۲) من جز به پروردگار خویش با تضرع عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که قطعاً اوست که در مورد ما هم آمرزنده و هم مهربان است!
- ۳) فقط نسبت به خدا با عذرخواهی التماس می‌نمایم! زیرا ایمان دارم اوست که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمرزد!
- ۴) جز از خدای خود عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمرزد!

«پاسخ»: «قد آمَنْتُ» ماضی نقلی است (گزینه «۱»).

گفت: «آیا ندانسته‌ای که خداوند بر کارهای ما آگاه است!»:

١) أ لا تعلم أنّ الله يعلم أمورنا!

٢) هل أنت لست عالماً بأنّ الله خبير بأعمالنا!

٣) أ لم تعلمي أنّ الله خبير بأعمالنا!

٤) هل لن تعلمي أنّ الله يعلم أمورنا!

پاسخ: «ندانسته‌ای» ماضی نقلی منفی است و «لَمْ + مضارع» هم که دقیقاً معادل همین است! البته که بقیه گزینیه‌ها ایرادهای دیگری هم دارند. (گزینه «٣»)

تابلوی اول

ماضی ساده: ماضی بی‌شیله و پيله

ماضی نقلی: قد + ماضی

ماضی منفی: ما + ماضی

لَمْ + مضارع: ماضی منفی (ساده یا نقلی)

ج) ماضی استمراری

برویم ببینیم ماضی استمراری را چطور می‌شود ساخت:

١. معروف‌ترینشان: «كان + مضارع»

گفت: «كنت أعرّف كاتباً قد كتب أكثر مقالاته في صحف مدينتنا!»:

(ریاضی ٨٨)

١) من نویسنده‌ای را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه شهر ما به چاپ رسیده بود!

٢) نویسنده‌ای را می‌شناختم که بیشتر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود!

٣) به نویسنده‌ای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه شهرمان به چاپ رسیده است!

٤) با نویسنده‌ای آشنا شدم که بیشتر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت!

پاسخ: «كنت أعرّف» را ببینید! خیلی راحت! (گزینه «٢»)

گفت: «كان الباحثون المسلمون يهاجرون إلى النقاط البعيدة من الأرض لاكتشاف أسرار الكون!»:

(ریاضی ٨٧)

١) پژوهشگران اسلامی به مناطق دوردستی از زمین برای کشف راز هستی سفر کرده‌اند!

٢) محققان مسلمان برای کشف اسرار هستی به نقاط دوردست زمین مهاجرت می‌کردند!

٣) جست‌وجوگران اسلامی به اقصی نقاط زمین برای به دست آوردن رازهای جهان مسافرت کرده بودند!

٤) تحقیق‌گران مسلمان بودند که به مناطق دوردست زمین برای اکتشاف اسرار دنیا مهاجرت نمودند!

پاسخ: «كان ... يهاجرون» را ببینید ← مهاجرت می‌کردند (گزینه «٢»)

١. ماضی استمراری منفی

الله سه جور می‌توانیم ماضی استمراری را منفی کنیم:

الف) ما + كان + مضارع:

ما كنتا نكتب: نمی‌نوشتیم

ب) کان + لا + مضارع:

کان لا نکتُبُ: نمی‌نوشتیم

ج) لَمْ + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع:

لَمْ نَكُنْ نَكْتُبُ: نمی‌نوشتیم

ظَهَّ آخِرَى رَا خِيَلَى جَدَى بَغِيرِد.

نکست: «صِرْتُ سَاكِنًا لَا تَنِي لَمْ أَكُنْ أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ!»:

۱) ساکت شدم چون من چیزی درباره موضوع نمی‌دانم!

۲) ساکت هستم زیرا من درباره آن موضوع چیزی نمی‌دانم!

۳) ساکت بودم برای اینکه من چیز زیادی درباره موضوع ندانستم!

۴) ساکت شدم زیرا من درباره موضوع چیزی نمی‌دانستم!

پاسخ: «لَمْ + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع» در عبارت سؤال چشمک می‌زند ← لَمْ أَكُنْ

أَعْرِفُ: نمی‌دانستم (گزینه «۴»)

تابلوی دوم

کان + مضارع: ماضی استمراری

ما + کان + مضارع

کان + لا + مضارع

ماضی استمراری منفی

لَمْ + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع

۲. «لَيْتَ + ماضی» را می‌توان به شکل ماضی استمراری ترجمه کرد:

«لَيْتَنِي قَرَأْتُ دَرُوسِي جَيِّدًا: کاش من درس‌هایم را خوب می‌خواندم.

۳. اگر جمله وصفیه فعل مضارع باشد و قبلش هم در عبارت فعل ماضی داشته باشیم، فعل مضارع

را غالباً به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم:

«شاهدتُ طالِبَةً تُطَالِعُ مَجَلَّةً فِي الْمَكْتَبَةِ:

ماضی اضمحلتة مضارع

(جمله وصفیه)

دانش‌آموزی را دیدم که مجله‌ای را در کتابخانه مطالعه می‌کرد.

نکست: «زائرانی را دیدم که به زیارت خانه خدا می‌رفتند!»:

۱) شاهدتُ زَوَّارًا يَذْهَبُونَ إِلَى زِيَارَةِ بَيْتِ اللَّهِ!

۲) نظرتُ فِي الزَّوَّارِ يَذْهَبُونَ لَزِيَارَةِ بَيْتِ اللَّهِ!

۳) رأيتُ زَوَّارًا ذَهَبُوا لَزِيَارَةِ بَيْتِ اللَّهِ!

۴) رأيتُ الزَّوَّارِ ذَهَبُوا إِلَى زِيَارَةِ بَيْتِ اللَّهِ!

پاسخ: «در گزینه‌های «۲» و «۴»، «زائرانی» که نکره است به صورت معرفه آمده، در گزینه «۳» هم،

«ذهبوا» ماضی است؛ مضارع می‌خواهیم. (گزینه «۱»)

۱. می‌شود ماضی بعید هم ترجمه کرد که جلوتر خواهیم گفت!

«بپه‌ها! ممکنه تست‌های این آزمونک با چند راه، حل بشن اما شما با کمک فعل هشون کنید یا عراقل دو گزیننه رو با فعل‌ها رر کنید!»

عین الأنسب في الجواب للترجمة من أو إلى العربية (۵-۱):

۱. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ﴾:

- ۱ هرگز به خوبی نخواهید رسید تا انفاق نمایید از چیزهایی که دوست داشته‌اید!
- ۲ به نیکی دست نخواهید یافت تا انفاق کنید از آنچه دوست دارید!
- ۳ خوبی را به دست نمی‌آورید تا انفاقتان از آنچه دوست دارید باشد!
- ۴ به نیکی نخواهید رسید تا انفاق نمایید از آنچه دوست داشته‌اید!

۲. «هناك خيرٌ في كلِّ شدةٍ فإننا نستطيع أن نعرف بها صدیقنا من عدونا»: (تهری ۹۶)

- ۱ در هر سختی‌ای خیری وجود دارد، چه ما می‌توانیم به‌وسیله آن دوست خود را از دشمنان بشناسیم!
- ۲ آنجا در هر سختی‌ای خیری است که توانسته‌ایم به‌وسیله آن دوستان و دشمنان خود را بشناسیم!
- ۳ آنجا در همه سختی‌ها سود و منفعتی برای ما است زیرا شناخت دوست از دشمن را در پی دارد!
- ۴ در هر سختی‌ای منافعی هست که شناختن دوست و دشمنان را به‌واسطه آن به دنبال دارد!

۳. «قد اشتريتُ كتاباً لم أكن سمعتُ اسمَ كاتبه!»:

- ۱ یک کتاب خریده‌ام که اسم نویسنده‌اش را نشنیده بودم!
- ۲ کتابی را می‌خرم که نام نویسنده آن را نشنیده‌ام!
- ۳ یک کتاب را خریدم که اسم نویسنده آن را نمی‌شنیدم!
- ۴ کتابی خریده‌ام که نام نویسنده‌اش را نشنیده‌ام!

۴. عین الخطأ: (عمومی فارغ از کشور ۹۸)

- ۱ قد دخلت آلاف الكلمات المعرّبة من اللّغات الأخرى في العربيّة: هزاران کلمات معرّب از زبان‌های دیگر به زبان عربی وارد شده است!
- ۲ من ظنّ أنه قد فاز في الدنيا بقول الكذب فهو الخاسر! کسی که گمان کند در دنیا با گفتار دروغ پیروز شده است، اوست زیان‌کار!
- ۳ إنّ السّمكات كانت تتساقط من السّماء على الأرض كقطرات الماء! ماهیان چون قطرات آب از آسمان بر زمین می‌افتادند!
- ۴ إنّ المشائمن لا يحصلون من الحوادث إلّا على تعب! بدبینان، از حوادث فقط رنج را دریافت خواهند کرد!

۵. «كاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدم!»: (عمومی فارغ از کشور ۹۸)

- ۱ لعليّ أ شاهد مدن بلادي جميعاً! لی‌تني أنظر كلّ المدن في بلادي!
- ۲ لعليّ كنت أنظر مدن بلادي كلّها! لی‌تني كنت أ شاهد جميع مدن بلادي!



۱. گزینه «۲». قرار شد با فعل‌ها پیش برویم؛ «لن + مضارع» داریم که معادل مستقبل منفی است (رد گزینه «۳»). «هرگز» در گزینه «۱» اضافی است، «تُنْفِقُوا» فعل است نه اسم (رد گزینه «۳») و «تُحِبُّونَ» هم که مضارع است (رد گزینه‌های «۱» و «۴»).
۲. گزینه «۱». خیلی خیلی راحت! «نَسْتَطِيعُ» فعل مضارع است که در گزینه «۲» به صورت ماضی ترجمه شده و در گزینه‌های «۳» و «۴» اصلاً ترجمه نشده!
۳. گزینه «۱». «قد + ماضی» معادل ماضی نقلی است (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). «لَمْ + مضارع تغییر یافته» «کان» + ماضی: ماضی بعید منفی» (رد سایر گزینه‌ها).
۴. گزینه «۴». «لا يحصلون» مضارع است که به صورت مستقبل ترجمه شده! مثبت ترجمه شدنش به خاطر اسلوب حصر است. اگر الآن بلدید که هیچی، اگر نه که به وقتش توضیحش می‌دهم!
۵. گزینه «۴». آقاجان «لَيْتَ» معادل «کاش» است (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). ضمناً «کان + مضارع: ماضی استمراری» (رد سایر گزینه‌ها).



رعایت نقش‌ها در ترجمه

این موضوع بی‌نهایت اهمیت دارد و باید نمونه‌ عینی ببینید تا متوجه حرفم بشوید. این مبحث را برایتان جزئی‌تر بررسی می‌کنم.

مبتدا و خبر

این دو نقش باید دقیقاً سر جای خودشان ترجمه شوند.

تست ۱: عین الخطأ:

(هنر ۹۹)

- ۱) الجهلُ مصيبةٌ لن نَتَخَلَّصَ منه إِلَّا بِالْعِلْمِ: فقط با علم، از مصیبت جهل، رهایی می‌یابیم!
- ۲) كَثِيرٌ مِنَ التَّاسِ يَعْرِفُونَ كُلَّ شَيْءٍ بِضَدِّهِ مَعْرِفَةٌ أَفْضَلُ: بسیاری از مردم هر چیزی را با ضدش بهتر می‌شناسند!
- ۳) عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَجْرَحَ قَلْبَ الْآخَرِينَ بِكَلِمَاتٍ قَبِيحَةٍ: انسان نباید با کلمات زشت قلب دیگران را مجروح کند!
- ۴) كَأَنَّ الْعُلَمَاءَ فِي بَسَطِ الْعِلْمِ لَيْسُوا إِلَّا مَطْرًا لِلْأَرْضِ: گویی دانشمندان در گسترش علم چیزی جز باران برای زمین نیستند!

پاسخ: «الجهل» مبتدا و «مصيبة» خبر است ← جهل، مصیبتی است که فقط با علم از آن رهایی خواهیم یافت. (پاسخمان گزینه ۱) «است اما می‌بینید که ترکیب وصفی نکره «کلمات قبیحة» در گزینه ۳» به‌صورت معرفه ترجمه شده!

تست ۲: «شجراتٌ حدیقتنا ذات غصون نضرة لأنَّ اهتمامنا بشؤونها كثير!» (زبان ۹۸)

- ۱) باغ ما درختانی دارد با شاخه‌های باطراوت زیرا به کارهای آن بسیار رسیدگی شده است!
- ۲) به‌خاطر رسیدگی و توجه ما به امور باغ، درختان آن دارای شاخه‌های تر و تازه‌ای شده است!
- ۳) درختان باغ ما دارای طراوت و تر و تازگی هستند زیرا اهتمام ما به کارهای آن زیاد است!
- ۴) درختان باغ ما دارای شاخه‌های تر و تازه‌ایست زیرا رسیدگی ما به کارهای آن زیاد است!

پاسخ: «شجرات» مبتداست (رد گزینه‌های «۱» و «۲»)، اندکی هم واژه بلد باشیم، می‌بینیم که «غصون: شاخه‌ها» در گزینه ۳» ترجمه نشده! ما ماندیم و گزینه ۴»!

تست ۳: «هر لحظه از عمر ما کنجی است که در طول زندگی فقط یک بار استخراج می‌شود!» (هنر ۹۳)

- ۱) این لحظات عمرنا کلهما کنز یقیدنا إذا استخراجناه جيداً!
- ۲) قيمة كل لحظة لعمرنا تساوي كنزاً يستخرج مرة طول الحياة!
- ۳) كل لحظة من عمرنا كنز يستخرج طول الحياة مرة واحدة فقط!
- ۴) إنما العمر و لحظاته لنا يشبه كنزاً يستخرج خلال تمام العمر مرة!

پاسخ: می‌بینید که «كل لحظة» باید مبتدا باشد (رد سایر گزینه‌ها). ضمناً «کنز» باید خبر باشد (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). گزینه‌ها غلط‌های دیگری هم دارند، به‌رحال جوابمان: گزینه ۳»!

تشخیص این نقش‌ها، هم با توجه به سیاق عبارت و ترجمه و هم با توجه به اعراب صورت می‌گیرد.
تست؟ ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾

(۱) آن هنگام که مؤمنین، احزاب را دیدند، گفتند: این چیزی است که خداوند به ما وعده داده بود!

(۲) زمانی که احزاب، مؤمنان را دیدند، گفتند: این است چیزی که به خدا وعده داده بودیم!

(۳) وقتی که احزاب، مؤمنان‌ها را دیدند، گفتند: این را ما به خداوند وعده داده بودیم!

(۴) هنگامی که مؤمنان، احزاب را دیدند، گفتند: این چیزی است که به خداوند وعده داده بودیم!

پاسخ؟ :: «المؤمنون» با توجه به مرفوع بودن، فاعل «رأى» و «الأحزاب» مفعولش است (ردگزینه‌های

«۲» و «۳»)، «اللّه» با توجه به مرفوع بودن، فاعل «وعد» و «نا» مفعولش است (رد سایر

گزینه‌ها). پس جوابمان گزینه «۱» است.

تست؟ ﴿لَا يَتَغَلَّبُ عَلَيْكَ الْيَأْسُ عِنْدَمَا تَفْقَدُ شَيْئًا جَمِيلًا. فَبِعِضِ الْأَحْيَانِ يَجِبُ أَنْ يَرْحَلَ الْجَمِيلُ لِيَأْتِيَ الْأَجْمَلَ!﴾ (زبان ۹۶)

(۱) ناامید مباش وقتی چیزی زیبا را از دست دادی، چون باید زیبا برود تا زیباترین بیاید!

(۲) ناراحتی بر تو چیره نشود هنگام از دست دادن چیز زیبا، چه گاهی زیبا می‌رود تا زیباتر بیاید!

(۳) هنگامی که چیز زیبا را از دست می‌دهی دچار ناامیدی مشو، چون زیبا می‌رود تا زیباتری بیاید!

(۴) وقتی چیز زیبایی را از دست می‌دهی نومییدی بر تو غلبه نکند، زیرا گاهی باید زیبا برود تا زیباتر بیاید!

پاسخ؟ :: «الْيَأْسُ» فاعل فعل «لَا يَتَغَلَّبُ» است (رد سایر گزینه‌ها؛ در ترجمه فعل نهی غایب «لَا يَتَغَلَّبُ»

لفظ «نباید» در تقدیر گرفته شده و «غلبه نکند» همان مفهوم نهی را می‌رساند.) البته حواستان

باشد که «الْيَأْسُ» در گزینه «۲» درست ترجمه نشده! به‌رحال جوابمان گزینه «۴» است!

تست؟ «الضَّرُورَاتُ تُلْجِي الْإِنْسَانَ دَائِمًا إِلَى تَحْمَلِ الْأَعْمَالِ الصَّعْبَةِ حَتَّى يَوْفُرَ مَعَاشَ أَهْلِهِ!» (تهری ۹۷)

(۱) ضرورت‌ها همواره انسان را به تحمل کارهای سخت وادار می‌کنند تا معاش خانواده خود را فراهم کند!

(۲) ضرورت‌ها همواره انسان را به انجام کارهای مشکل ملزم نموده تا معاش خانواده‌اش فراهم شود!

(۳) به‌ناچار انسان همواره کارهای سخت را تحمل کرده تا مایحتاج خانواده خود را فراهم کند!

(۴) نیاز، انسان را همیشه به کارهای سخت مجبور می‌کند تا روزی خانواده‌اش مهتّا گردد!

پاسخ؟ :: «الضَّرُورَاتُ» مبتدا است (ردگزینه‌های «۳» و «۴»)، «الْإِنْسَانَ» مفعول «تُلْجِي» است (ردگزینه «۳»)

و «مَعَاشَ» مفعول «يَوْفُرُ» است (ردگزینه‌های «۲» و «۴») باهمه این تفاسیر گزینه «۱» جواب تست است.

اسم و خبر افعال ناقصه و حروف مشبّهة بالفعل

این‌ها همان مبتدا و خبر در جملات اسمیه‌اند اما خب به‌رحال به‌صورت جداگانه آوردمشان!

تست؟ «بزرگ‌ترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ماست و برای آن‌ها جایگزینی نیست!» عین الصحیح:

(فارج از کشور ۹۷)

(۱) لا بدیل لأخلاقنا و إنسانیتنا لأثمة ثروتنا العظيمة!

(۲) أعظم ثروتنا أخلاقنا و إنسانیتنا و لیس لهما بدیل!

(۳) لیس لأخلاقنا و إنسانیتنا بدیلاً لأنّهما أعظم ثروتنا!

(۴) أعظم ثروتنا الّذی لیس لها بدیل أخلاقنا و إنسانیتنا!



پاسخ: قانون اسلامی را مجدد من خودم اجرا کنم:

بزرگ‌ترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ماست.

- (۱) لا بدیل | لأخلاقنا | و إنسانیتنا ...
 (۲) أعظم | ثروتنا أخلاقنا | و إنسانیتنا ...
 (۳) لیس | لأخلاقنا | و إنسانیتنا بدیلاً ...
 (۴) أعظم | ثروتنا الذی | لیس لها بدیل ...

می‌بینید که «أعظم» باید مبتدا (رد گزیندهای «۱» و «۳») و «أخلاق» خبر باشد (رد سایر گزیننده‌ها). ضمناً «بدیل» (جایگزینی) اسم «لئیس» (نیست) می‌باشد؛ جوابمان گزینۀ «۲»!

(زبان ۱۴۰۰)

کست؟ عین الخطأ:

- (۱) أمطر الله مطراً في بلدنا أمس،: دیروز خدا در شهر ما بارانی باراند،
 (۲) ما كان المطر كثيراً لَبِصير سيلاً،: باران زیادی نبود که سیل بشود،
 (۳) و لا قليلاً حتى لا يَنْبَت ما قد فات،: و نه کم که آنچه از دست رفته بود نروید،
 (۴) و بكثرته إزدادت التعم عَلينا!،: و با فراوانی اش نعمت‌ها بر ما فروزی یافت!
- پاسخ:** در گزینۀ «۲»، «كثيراً» خبر «كان» است نه صفتِ «المطر» ← باران، زیاد نبود که سیل بشود. (جواب: گزینۀ «۲»)

(هنر ۹۸)

کست؟ عین الصحيح:

- (۱) من هو صادق في كلامه فإنه يُعدّ من المُحسنين! هرکس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران به شمار خواهد آورد!
 (۲) ليس المظلومون متّحدين في العالم فلهذا يعيشون تحت الظلم! مظلومان جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم به سر می‌برند!
 (۳) إنّ هؤلاء ناجحون في حياتهم لأنهم لا يُضيعون أوقاتهم! این‌ها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تباہ نمی‌کنند!
 (۴) إذا توقعت التّجّاح فلا تيأس من الحصول عليه! هرگاه انتظار موفقیت داشتی از به دست آوردن آن مأیوس مشو!

پاسخ: بررسی گزیننده‌ها:

- (۱) «يُعدّ» مضارع مجهول است ← به شمار می‌آید.
 (۲) «المظلومون» اسم «لئیس» و «متّحدين» خبرش است ← مظلومان در جهان متحد نیستند.
 (۳) ضمير «هم» ترجمه نشده ← حياتهم: زندگی‌شان. دقت کنید که اسم (هؤلاء) و خبر (ناجحون) «إنّ» در این گزینۀ درست ترجمه شده‌اند!
 (۴) این گزینۀ هم که درست است. جوابمان همین گزینۀ است.

خبر و صفت

باید خبر را از صفت درست تشخیص دهیم تا در ترجمه کار دستمان ندهد!

(تهری ۹۳)

کست؟ الغد المضيء يتعلّق بمن يعرف اليوم و يتنفع به بأحسن وجه!:

- (۱) فردای روشنی‌بخش از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود ببرد!
 (۲) فردایی روشن است که متعلّق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!
 (۳) فردایی که درخشان است به کسی تعلّق دارد که امروزش را می‌شناسد و برترین نفع را از آن می‌برد!
 (۴) فردایی فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!

پاسخ: «الغد» مبتدا و نکره و «المضيء» صفتش است نه خبر: **أولاً** خبر اگر اسم باشد غالباً به صورت نکره می‌آید، ثانیاً معنای مبتدا با «یتعلق» کامل می‌شود (رد سایر گزینه‌ها) جوابمان: گزینه «۱»!

تابلوی پنجاه و دوم

رعایت نقش‌ها در ترجمه (مبتدا و خبر، فاعل و مفعول و نائب فاعل، اسم و خبر افعال ناقصه و حروف مشبّهة بالفعل، تشخیص خبر و صفت)

صفت و حال

حال را مجزا هم بررسی می‌کنیم اما به کرات پیش می‌آید که صفت و حال را جابه‌جا در ترجمه بیاورند (با توجه به شباهت ظاهری‌شان).

تست؟ «كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين»:

۱) مردمان امتی واحد بوده‌اند، لذا خداوند پیامبرانِ بشارتگر را مبعوث کرد!

۲) مردم در ابتدا یک امت بودند، پس الله پیامبرانی را مژده‌دهنده گسیل داشت!

۳) مردم یک امت بودند، پس خدا پیامبران را بشارت‌دهنده برانگیخت!

۴) مردمان همگی امتی واحد بودند، بنابراین خداوند پیامبران مژده‌دهنده‌اش را برانگیخت!

پاسخ: «مبشرين» حال است نه صفت «النبيين»؛ اگر قرار بود صفتش باشد، با «ال» می‌آمد (رد گزینه‌های «۱» و «۴»)، ضمناً «النبيين» معرفه است (رد گزینه «۲») بنابراین گزینه «۳»؛ پاسخ تست.

تست؟ عین الخطأ:

۱) صنع المهندسون هذه البيوت محكمة! مهندسان این خانه‌ها را محکم ساخته‌اند!

۲) يشع المتفرجون الفرحون فریقهم الفائز! تماشاگران تیم برنده‌شان را خوشحال تشویق می‌کنند!

۳) تتساقط قطرات الماء على الأرض متتالية! قطرات آب، پی‌درپی به روی زمین می‌افتند!

۴) لاحظت طالبات مبتسمات عندما كنت في المدرسة! زمانی که در مدرسه بودم، دانش‌آموزان خندانی را دیدم!

پاسخ: با توجه به معرفه بودن «الفرحون» و مرفوع بودنش (حال، نکره و منصوب است)، نتیجه می‌گیریم که این کلمه صفت «المتفرجون» است ← تماشاگران خوشحال، تیم برنده‌شان را تشویق می‌کنند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «محكمة» حال است برای «هذه البيوت»!

۳) «متتالية» حال است برای «قطرات الماء»!

۴) «مبتسمات» صفت «طالبات» است؛ چون «طالبات» نمی‌تواند صاحب حال باشد (صاحب حال، معرفه است).

تابلوی پنجاه و سوم

تشخیص صفت از حال (و بالعکس)



۹۰. «العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر!» عین الأنسب للمفهوم:
- ۱ راه رو راه، گرد گفت مگرد که به گفتار ره نشاید کرد
 - ۲ العمل لا یضمن قولك!
 - ۳ الجزاء للذین أحسنوا عملاً
 - ۴ دستی که ریزی نکند شاخ بی بر است خلی که میوه‌ای ندهد، خشک بهتر است

زمان پیشنهادی:
۷ دقیقه

آزمون جامع ۷ (کنکور+تألیفی)

عین الأنسب في الجواب للترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۱۰۵-۹۱):

۹۱. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾:

- ۱ مسلماً انسان زیانکار می‌باشد مگر آن‌هایی که ایمان بیاورند و کارهای نیکو انجام دهند!
- ۲ همانا انسان در زیان است جز کسانی که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام دادند!
- ۳ انسان بی‌شک در زیان می‌باشد مگر کسانی که با ایمان کارهای شایسته انجام دادند!
- ۴ انسان قطعاً در زیان است جز آن‌هایی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند!

۹۲. «ليس هناك عظمٌ في اللسان ولكنه يستطيع أن يكسر القلوب استطاعةً، فلتراقب كلامنا!»:

(عمومی انسانی قارج از کشور ۱۴۰۰)

- ۱ در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب سخنانم باشیم!
- ۲ در زبان استخوانی نیست، اما به‌خوبی توانایی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!
- ۳ استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانایی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!
- ۴ در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به‌خوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

۹۳. «كثيرٌ من الناس لا يفكرون أكثر من مرتين أو ثلاث مرات سنوياً، ولكن العلماء لا يضيعون أوقاتهم و يفكرون دائماً!»:

(عمومی قارج از کشور ۱۴۰۰)

- ۱ اکثر مردم بیشتر از دو بار یا سه بار فکر نمی‌کنند ولی علما اوقاتشان را ضایع نکرده در طول سال، همیشه می‌اندیشند!
- ۲ بسیاری از مردم سالانه بیش از دو یا سه بار نمی‌اندیشند، اما دانشمندان اوقات خود را تلف نمی‌کنند و همیشه تفکر می‌کنند!
- ۳ کثیری از مردم هستند که سالانه بیش از دو سه دفعه فکر نمی‌کنند، ولی عالمان زمان خود را تلف نموده‌اند و دائماً در تفکر هستند!
- ۴ مردم بسیاری هستند که در سال بیشتر از دو یا سه بار اندیشه نمی‌کنند، ولیکن اندیشمندان زمان را تباه نمی‌کنند و دائماً فکر می‌کنند!



۹۴. «اصبروا على صعاب تنزل عليكم صبراً فلعلَّ الله يملأ قلوبكم سكينةً و يعينكم في مواصلة الحياة!»:

- ۱ در دشواری‌هایی که بر شما نازل می‌شود، حتماً صبر پیشه کنید، چه امید است که خدا دل‌هایتان را از آرامش مملو کرده و در ادامه دادن زندگی شما را یاری کند!
- ۲ بردباری کنید بر آنچه از سختی‌ها که بر شما قطعاً فرود می‌آید، ای بسا خداوند دل‌های شما را از آرامش پر کند و در ادامه زندگی یاور شما باشد!
- ۳ حتماً بر سختی‌هایی که بر شما فرود می‌آید، صبر نمایید که شاید خداوند دل‌هایتان را از شادی پر کند و در ادامه زندگی‌تان به شما یاری برساند!
- ۴ بر دشواری‌ها که بر شما نازل می‌گردد، حتماً باید صبر کنید زیرا امید است که خداوند با پر کردن دل‌هایتان از آرامش، شما را در ادامه دادن زندگی کمک کند!

۹۵. «هذا الحيوان له في لسانه غدد تفرز سائلاً مطهراً و هو يستعين به لتلتئم جروحه أسهل!»:

- ۱ این حیوان برای اوست در زبانش غده‌هایی که مایع پاکی ترشح می‌کند و به او در التیام آسان‌تر زخم‌هایش یاری می‌رسانند!
- ۲ در زبان این حیوان غده‌هایی هست که با ترشح مایع پاک‌کننده‌ای التیام زخم‌هایش را ساده‌تر می‌کند!
- ۳ این حیوانی است که در زبانش غده‌هایی وجود دارد که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کند و از آن برای التیام هر چه ساده‌تر زخم‌های خود یاری می‌جوید!
- ۴ این حیوان در زبانش غده‌هایی دارد که مایع پاک‌کننده‌ای ترشح می‌نماید و او از آن یاری می‌جوید تا زخم‌هایش آسان‌تر بهبود یابند!

۹۶. «إذا يلتزم الإنسان بالصدق يتخلص من كل السيئات التي تضره!»: (عمومی انسانی خارج از کشور ۹۹)

- ۱ اگر انسان پایبند راستی و درستی باشد همه بدی‌هایی را که ضرر رسان به اوست، رها می‌کند!
- ۲ هر گاه انسان به همه صداقت‌ها ملتزم شود از بدی‌هایی که به او ضرر می‌زند خلاص می‌شود!
- ۳ هر گاه انسان پایبند راستگویی باشد از همه بدی‌هایی که به او ضرر می‌رساند رها می‌شود!
- ۴ اگر انسان به صداقت‌ها ملتزم باشد بدی‌هایی را که ضرر رساننده به او هستند رها می‌کند!

۹۷. «لا تتعود على الكذب فإنَّ الكذاب لا يقدر على أن يخفي كذبه أو ينكره و يتبين كذبه تبيناً للجميع!»:

- ۱ به دروغ گفتن عادت مکن که دروغگو نمی‌تواند که دروغش را مخفی یا انکار کند و دروغ او بی‌گمان برای همه آشکار می‌شود!
- ۲ به اینکه دروغ بگویی عادت نکن چرا که کذاب قادر به این نیست که دروغش را مخفی کند و آن را انکار نماید و برای همه قطعاً دروغش هویدا می‌شود!
- ۳ به دروغگویی خودت را عادت نده که کذاب قادر نیست که دروغگویی‌اش را مخفی و یا انکار کند و او میان همه حتماً رسوا می‌شود!
- ۴ به دروغ عادت نکن زیرا دروغگو نتوانسته دروغ خود را مخفی یا انکار نماید و قطعاً در مقابل همه رسوا می‌گردد!

۹۸.

- «يُمْكِنُ أَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الصَّحْكَ، لَكِنَّكَ لَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الْبِكَاءِ أَبْدًا»: (عمومی فارغ از کشور ۱۴۰۰)
- ۱) شاید هرکس که در خندیدن با تو همراه بود، فراموش شود اما کسی که در گریستن با تو همراه بود فراموش نخواهد شد!
 - ۲) می‌توانی آن کس را که در خنده همراهی‌ات کرد فراموش کنی، اما هرگز آن کس را که در گریه همراهی‌ات کند فراموش نمی‌کنی!
 - ۳) می‌شود آن کسی را که در خنده با تو همراهی کرده است فراموش کنی، اما کسی را که در گریه با تو همراهی می‌کند ابداً فراموش نمی‌کنی!
 - ۴) امکان دارد کسی را که در خندیدن با تو همراهی کرد فراموش کنی، اما کسی را که در گریه کردن با تو همراهی کرد هرگز فراموش نخواهی کرد!

۹۹.

- «لِيَنْظُرَ الْإِنْسَانُ إِلَى الْمَسْتَقْبَلِ دَائِمًا لِكَيْلَا يَحْزَنَ عَلَى مَا فَاتَهُ فِي الْمَاضِي!»:
- ۱) انسان باید دائماً به آینده نگاه کند تا بر آنچه در گذشته از دست او رفته، اندوهگین نشود!
 - ۲) باید انسان به آینده همیشه بنگرد تا آنچه در گذشته از دستش رفته، او را ناراحت نکند!
 - ۳) انسان همیشه باید نگاهش به آینده باشد و بر آنچه در گذشته از دست داده، غمگین نباشد!
 - ۴) نگاه انسان دائماً باید به آینده باشد تا آنچه در گذشته از دستش رفته، او را محزون نکند!
۱۰۰. «مَشَاهِدُ الْحَجِّ تَخْلِبُ الْقُلُوبَ، مَا مِنْ مُسْلِمٍ فِي الْعَالَمِ إِلَّا وَهُوَ يَشْتَأِقُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ بَعْدَ مَشَاهِدِ تَهَا!»:
- ۱) صحنه‌های حج دل‌ها را می‌رباید، هیچ مسلمانی در جهان نبوده جز اینکه بعد از دیدنشان به خانه خدا مشتاق شده است!
 - ۲) صحنه‌های حج قلوب را می‌رباید، در جهان هیچ مسلمانی نیست مگر اینکه او پس از دیدنشان به خانه خدا مشتاق می‌شود!
 - ۳) صحنه‌هایی از حج دل‌ها را می‌رباید، هیچ مسلمانی را در جهان نمی‌یابی مگر اینکه او با اشتیاق به خانه خدا آن‌ها را مشاهده می‌کند!
 - ۴) صحنه‌های حج قلوب را می‌رباید، مسلمانی در جهان نیست جز اینکه با دیدن آن‌ها به خانه خدا اشتیاق پیدا می‌کند!

(عمومی انسانی ۹۸)

۱۰۱. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) کُنْتُ فَرِحْتُ مِنْ أَنَّ الْحَسَنَاتِ تَذْهِبُ السَّيِّئَاتِ! از اینکه خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد، شاد شده بودم!
- ۲) كَادَتْ بِنْتِي تَجْهَرُ بِغَضْبِهَا عِنْدَ الضِّيُوفِ لَمَّا نَصَحْتُهَا! وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم نزدیک بود خشمش را آشکار کند!
- ۳) كُنْ سَاكِتًا وَ رَاقِبْ أَنْ لَا يَجْرِيَ عَلَيَّ لِسَانُكَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ! ساکت باش و مراقب باش که بر زبان چیزی که بدان علم نداری، جاری نشود!
- ۴) لَمَّا بَدَأَتْ بَأْنَ تَعْيِبَ الْأَخْرَيْنِ عَلِمْتُ أَنَّ ذَلِكَ نَفْسَهُ مِنْ أَكْبَرِ الْعِيُوبِ! وقتی شروع به عیب‌گیری از دیگران کردی، بدان که آن خودش از بزرگ‌ترین عیب‌هاست!

۱۰۲. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) كَانَ فِي مَرْعَةٍ عِدَّةُ أَفْرَاحِ الطَّيُورِ يَنْقُصُ تَدْرِجِيًّا، الْمَرْعَةُ كَانَتْ قَرِيبَةً مِنْ قَرِينَتَا: در مزرعه‌ای تعداد جوجه‌های پرندگان به تدریج کم می‌شد، آن مزرعه نزدیک روستای ما بود!
- ۲) عَيُونُهُمْ غَضَّتْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهَذَا لَا تَكُونُ بَاكِيَةً فِي يَوْمِ الْبِعْثِ! چشمان آن‌ها از حرام‌های خداوند بر هم نهاده شدند، بنابراین در روز رستاخیز گریان نمی‌باشد!
- ۳) هَذَا الْكَاتِبُ جَاءَ بِنِقَاطٍ عَجِيبَةٍ فِي كِتَابِهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) لَمْ يَذْكُرْهَا الْكِتَابُ الْأَخْرُونِ! این نویسنده در کتابش درباره پیامبر (ص) نکته‌های شگفتی آورده بود حال آنکه دیگر نویسندگان آن‌ها را ذکر نکردند!
- ۴) الْأَهْدَافُ الْعَالِيَةُ كَأَنَّهَا جَبَلٌ مَرْتَفِعٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى صُعُودِهِ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ! اهداف والا به‌سان کوهی مرتفع‌اند که فقط نیرومندان یارای صعود از آن را دارند!



۱۰۳. «هر غذایی که نام خداوند بر آن برده نشود، هیچ برکتی در آن نیست!»:

- ۱ کُلّ الطعام الَّذي لا يَذْكَر اسم الله عليه، لا بركة له!
- ۲ كَلّ طعام لا يَذْكَر اسم الله عليه، لا بركة فيه!
- ۳ كَلّ الطعام لم يَذْكَر اسم الله عليه، ليست بركة فيه!
- ۴ كَلّ طعام إذا لم يَذْكَر اسم الله عليه، ليست بركة له!

۱۰۴. عَيْنُ غير المناسب للمفهوم:

- ۱ تجري الرياح بما لا تشتهي السفن!:
- ۲ اعتمادی نیست بر کار جهان بلکه برگردون گردان نیز هم
- ۳ تعاشروا كالإخوان و تعاملوا كالأجانب! حساب حساب است، کاکا برادر!
- ۴ إِنْ الناس أعداء ما جهلوا!:
- ۵ به هر چیزی که خلق آن را ندانند ز نادانی بدان از دشمنان اند
- ۶ ﴿عسى أن تكروها شيئاً و هو خير لكم﴾:
- ۷ چه خوش گفت یک روز داروفروش شفا بایدت داروی تلخ نوش

۱۰۵. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِومَ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ عَيْنُ المناسب للمفهوم:

- ۱ سر چشمه شاید گرفتن به بیل چو پر شد نشاید گذشتن به پیل
- ۲ در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی
- ۳ باد ما و بود ما از داد توست هستی ما جمله از ایجاد توست
- ۴ گله از روزگار بیهوده چیست هرچه بر ماست از کرده ماست

زمان پیشنهادی:
۶ دقیقه

آزمون جامع ۸ (کنکور+تالیفی)

عَيْنُ الأنسب في الجواب للترجمة من أو إلى العربية (۱۲۰-۱۰۶):

۱۰۶. ﴿هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فيها﴾:

- ۱ او شما را از زمین پدید آورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد!
- ۲ اوست که شما را از زمین آفرید و از شما خواست آن را آباد نماید!
- ۳ او از زمین شما را به وجود آورد و در آن به شما عمر داد!
- ۴ او شما را در زمین پدید آورد و در آن به شما عمر داد!

۱۰۷. «قد تُجبرنا الحياة على تحمّل ما لا نُحِبّه فلا طريق لنا إلا أن نُقبل الظروف و إن كانت صعبة!»:

- ۱ گاهی در زندگی مجبور می‌شویم که چیزی را که دوست نداریم تحمل نماییم، هیچ راهی برای ما نیست جز اینکه به شرایط روی آوریم اگرچه دشوارند!
- ۲ زندگی گاهی ما را وادار به تحمل چیزی می‌کند که آن را دوست نداریم، هیچ راهی نداریم مگر اینکه شرایط را بپذیریم هرچند سخت باشند!
- ۳ گاهی زندگی ما را مجبور به تحمل کردن چیزی می‌کند که دوست نمی‌داریم، تنها راهی که داریم پذیرش شرایط است، اگر سخت هستند!
- ۴ زندگی گاهی ما را وادار به تحمل چیزی کرده که آن را دوست نمی‌داریم، هیچ راهی نداریم مگر اینکه به شرایط روی آورده اگر دشوارند!

همچون راستگویان ← صادقانه (قواعد)

۸۶. **گزینه ۱** ﴿۱﴾ - «نُصَاد» (به شکل «يُقَال»؛ در درسنامه داشتیم) مجهول است ← شکار می‌شوند (معلوم و مجهول بودن فعل‌ها)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «قد + مضارع» را دریابید ← گاهی + مضارع، «أقول» هم جمله وصفیه است برای «كلاماً! / ﴿۳﴾ «لَوْ لَا» معنای «اگر ... نبود» می‌دهد، فعل‌های ماضی هم که بعد از «لو» بیایند، به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شوند. / ﴿۴﴾ از سیاق عبارت پیداست که «لینسکت» فعل امر است.

۸۷. **گزینه ۳** ﴿۳﴾ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) یَمَكْنَهُم (یمكن لهم)، النجاح (أَنْ يَنْجُوهُ) که موفق شوند» فعل است، البرامج (برامجهم؛ ضمیرها) / ﴿۲﴾ لِيَفْهَمُوا (ليعلموا)، يستطيعون أَنَّهُمْ (يَمَكْنَهُم)، التَّقَدُّم (مانند «۲») / ﴿۴﴾ أَن يَفْهَمُوا (ليعلموا)، يستطيعون (يَمَكْنَهُم)، أَن يَتَقَدَّمُوا (مانند «۲»)، البرامج (مانند «۱»)

۸۸. **گزینه ۳** ﴿۳﴾ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) ذَلِكَ (تلك)، مَا أَعْجَفَ (مَا أَعْجَفْتُ؛ فعل به تِلْكَ الْحَادِثَةِ» برمی‌گردد، صِبْغَةُ فِعْلِهَا)، وَلَكِنْ (بل) / ﴿۲﴾ حَادِثَةٌ (الْحَادِثَةُ؛ «حادثه» معرفه است)، لَمْ تُضْعَفْ (لَمْ تُضْعَفْ)، عَزْمًا فِيهِ (عزمه)، أَوْصَلَ (واصل؛ «أَوْصَلَ رَسَانَهُ»؛ معانی باب‌ها) / ﴿۴﴾ هَذِهِ (تلك)، وَلَكِنْ (مانند «۱»)، وَصَلَ (مانند «۲»)، ضَمْنًا «وُصِّلَ: رَسِيدٌ»، الدُّوْبُ (دوؤب؛ حال نکره است).

۸۹. **گزینه ۴** ﴿۴﴾ بررسی گزینه‌ها:

۱) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است. (شعر فارسی هم مفهومی مشابه را بیان کرده است.) / ﴿۲﴾ آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟! (مثل فارسی هم گفته که اول خودتان را دریابید بعد دیگران را.) / ﴿۳﴾ بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست. (هم‌مفهوم با مثل عربی) / ﴿۴﴾ هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند (شعر فارسی گفته که انسان‌های خوب کارهای خوب می‌کنند و

انسان‌های پست کارشان دوز و کلک است که با عبارت عربی زمین تا آسمان فرق می‌کند.

۹۰. **گزینه ۱** ﴿۱﴾ ترجمه عبارت سؤال: «عالم بدون عمل همانند درخت بدون میوه است.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) به عبارت عربی بسیار نزدیک است. گفته که عمل را دریاب! / ﴿۲﴾ عمل، سخت را تضمین نمی‌کند. (برعکسش را می‌گفت، درست بود!) / ﴿۳﴾ پاداش از آن کسانی است که کاری را نیکو انجام دادند. / ﴿۴﴾ از بی‌ثمری و بی‌فایده بودن حرف زده است.

۹۱. **گزینه ۲** ﴿۲﴾ ﴿۱﴾ «إِنْ» کل جمله را تأکید می‌کند

و جایش در ترجمه همان ابتدای عبارت است (رد گزینه‌های «۳» و «۴») ۲- «فِي خُسْرٍ» در گزینه «۱» دقیق ترجمه نشده. ۳- «أَمْنُوا، عملوا» فعل ماضی‌اند (رد سایر گزینه‌ها؛ زمان فعل‌ها) ۴- «الصَّلَاحَاتُ» جمع است نه مفرد (رد گزینه «۴»؛ مفرد و جمع بودن اسم‌ها)

۹۲. **گزینه ۱** ﴿۱﴾ ترجمه کلمات مهم: اُنْ يَكْسِرُ:

که بشکنند، اِسْتِطَاعَةٌ: قطعاً (مفعول مطلق تأکیدی)، لِيُرَاقِبَ: باید مواظب باشیم

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) به‌خوبی (قطعاً، «اِسْتِطَاعَةٌ» مفعول مطلق تأکیدی است.)، شَكَسْتَن (بشکنند؛ «يَكْسِرُ» فعل است.)، سَخَنان (سخن؛ «كلام» مفرد است؛ مفرد و جمع بودن اسم‌ها) / ﴿۳﴾ «دیگران» اضافی است (حذف و اضافه)، کاملاً (مانند گزینه «۲»). سخن گفتنمان (سخنمان) / ﴿۴﴾ «هیچ» اضافی است (حذف و اضافه)، واقعاً (مانند گزینه «۲»)، «به‌خوبی» اضافی است (حذف و اضافه)، سخن گفتنمان (مانند گزینه «۳»)

۹۳. **گزینه ۲** ﴿۲﴾ ۱- «كثِير» اسم تفضیل نیست

(رد گزینه «۱») ۲- «هستند» در گزینه‌های «۳» و «۴» وصله زائد است (حذف و اضافه) ۳- «أَوْ» در گزینه «۳» ترجمه نشده (جزئیات در ترجمه) ۴- اَوْقَاتِهِمْ: اوقات خود (رد گزینه «۴»؛ مفرد و جمع بودن اسم‌ها، ضمیرها) ۵- «لَا يُضَيِّعُونَ» مضارع است (رد گزینه‌های

«۱» و «۲»)

است و نباید به صورت اسم ترجمه شود مگر در موارد خاص (رد گزینه‌های «۱» و «۴»)

۹۷. **گزینه ۱** «۱» - «الکذب» اسم است و دلیلی

ندارد به صورت فعل ترجمه شود. (رد گزینه «۲») - «أو» در گزینه «۲» اشتباه ترجمه شده و «و» در گزینه «۳» اضافی است (جزئیات در ترجمه) - «میان همه، در مقابل همه» در گزینه‌های «۳» و «۴» معادل «لجميع» نیست. - «کذب» در آخر عبارت در گزینه‌های «۳» و «۴» ترجمه نشده (حذف و اضافه)

۹۸. **گزینه ۴** «۱» - «يَمُكِن» در گزینه‌های «۱»

و «۲» دقیق ترجمه نشده. - «من» موصول داریم نه شرطیه (رد گزینه «۱») - «أبداً» در گزینه «۱» ترجمه نشده (حذف و اضافه) - «لن + مضارع: مستقل منفی» ← «لن تنسی: فراموش نخواهی کرد (رد گزینه‌های «۲» و «۳»): زمان و ساختار فعل‌ها)

۹۹. **گزینه ۱** «۱» - دقت کنید که آخر «بنظر»

در عبارت سؤال، کسره گرفته؛ این یعنی فعل امر داریم و آخرش می‌باید ساکن می‌گرفت، چون به «ال» رسیده، کسره گرفته تا راحت‌تر خوانده شود! - «بنظر» فعل است نه اسم (رد گزینه‌های «۲» و «۴») - «فأنت» در گزینه «۳» دقیق ترجمه نشده. - «يَحْزَن» اینجا لازم است نه متعدی (رد گزینه‌های «۲» و «۴»): لازم و متعدی بودن فعل‌ها)

۱۰۰. **گزینه ۲** «۱» - «از» در گزینه «۳» اضافی

است (حذف و اضافه) - «ما مِن» معنای «هیچ ... نیست» می‌دهد (رد سایر گزینه‌ها) - «يشتاق» فعل مضارع است (رد گزینه «۱»): زمان فعل‌ها) - «يشتاق» فعل و «مشاهدة» اسم است (رد گزینه «۳»)

۱۰۱. **گزینه ۲** «۱» ترتیب کلمات در ترجمه به هم

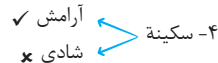
خوردند: «تذریک بود دخترم، خشمش را نزد مهمانان آشکار کند، زمانی که او را نصیحت کردم.» تذکر: البته «علم» هم در گزینه «۳» باید به صورت نکره ترجمه می‌شد.

۱۰۲. **گزینه ۳** «۱» «جاء ب» فعل ماضی ساده است

که نهایتاً بتواند به صورت ماضی نقلی ترجمه

۹۴. **گزینه ۱** «۱» - «أنجه از» در گزینه «۲»

اضافی است (حذف و اضافه) - «اصبروا» فعل امر مخاطب است و ما در ترجمه فعل امر مخاطب از «باید» استفاده نمی‌کنیم (رد گزینه «۴») - «صبراً» مفعول مطلق تأکیدی است و جای دقیقش در ترجمه چسبیده به فعل عبارت است (رد گزینه‌های «۲» و «۳»): در گزینه «۲» قبل از «فروم می‌آید» آمده که اشتباه است.)

۴- سکینه 

(رد گزینه «۳»؛ ترجمه دقیق واژگان)

۵- «يُعِين» فعل است نه اسم (رد گزینه «۲») - «به الحياة» ضمیری نچسبیده (رد گزینه «۳»؛ ضمیرها).

۹۵. **گزینه ۴** «۱» - «لَه» (لِ + ه) اینجا معنای

مالکیت می‌دهد و به صورت «(ارد)» ترجمه می‌شود (رد گزینه‌های «۲» و «۳») - «به لسانه» ضمیر چسبیده و در گزینه «۲»، «هذا الحيوان» در جای نادرستی از ترجمه آمده است (ضمیرها، جای درست کلمات در ترجمه) - «مَطَهْرًا» در گزینه «۱» درست ترجمه نشده (ترجمه دقیق واژگان) - «لنلتئم» فعل است نه اسم (رد سایر گزینه‌ها) - «أسهل» صفت نیست (رد گزینه‌های «۱» و «۳»؛ نقش‌های دستور زبانی) - «تَفَرُّز» فعل است نه اسم (رد گزینه «۲») - «يستعين» در گزینه «۱» درست ترجمه نشده (ترجمه دقیق واژگان) و در گزینه «۲» ترجمه نشده (حذف و اضافه).

۹۶. **گزینه ۳** «۱» - «الصدق» مفرد است (رد

گزینه‌های «۲» و «۴»؛ مفرد و جمع بودن اسم‌ها) - «يَتَخَلَّصُ: رها می‌شود، يَخْلُصُ: رها می‌کند» (رد گزینه‌های «۱» و «۴»): تأثیر باب‌ها بر معانی فعل‌ها) - «مِن» در گزینه‌های «۱» و «۴» ترجمه نشده (حذف و اضافه)، «كل» در گزینه‌های «۲» و «۴» ترجمه نشده (باز هم حذف و اضافه) - «تَفَرُّز» فعل



۱۰۶. **گزینه ۱** ﴿ ۱- «است که» در گزینه «۲» اضافی است (حذف و اضافه) ۲- «هن» در گزینه «۴» اشتباه ترجمه شده (جزئیات در ترجمه) ۳- قسمت آخر آیه شریفه فقط در گزینه «۱» درست و دقیق ترجمه شده!

۱۰۷. **گزینه ۲** ﴿ ۱- «تَجَبَّرَ» فعل متعدی، «نا» مفعولش و «الحیاء» فاعلش است (رد گزینه «۱»؛ **نقش‌های دستور زبانی**) ۲- «قد + مضارع: گاهی / شاید + مضارع» (رد گزینه «۴») ۳- «تَحَمَّلَ» اسم است نه فعل (رد گزینه «۱») ۴- در قسمت دوم عبارت «لا»ی نفی جنس داریم که مصادف شده با اسلوب حصر. ۵- «قَبِلَ، یَقْبَلُ: پذیرفتن»، «أَقْبَلَ، یُقْبَلُ: روی آوردن» (رد گزینه‌های «۱» و «۴»؛ **معانی باب‌ها**) ۶- «و اِنْ» معنای «اگرچه، هرچند» می‌دهد (رد گزینه‌های «۳» و «۴»؛ **اصطلاحات**)

۱۰۸. **گزینه ۳** ﴿ ۱- «لا تَكُنْ» در گزینه «۱» با «لا تُصِخْ» اشتباه گرفته شده و در گزینه «۲» درست ترجمه نشده. ۲- «یُعَذِّبُ» از صیغه للغاب است (رد گزینه‌های «۱» و «۲»؛ **صیغه فعل‌ها**) و در گزینه «۴» درست ترجمه نشده (**ترجمه درست واژگان**) ۳- «و» در گزینه «۴» اضافی است (**جزئیات در ترجمه**) ۴- «یُبَعِّدُ» از صیغه للغاب و متعدی است (رد گزینه‌های «۱» و «۲»؛ **صیغه فعل‌ها، لازم و متعدی بودن فعل‌ها**) ۵- «إِبْعَاداً» مفعول مطلق نوعی و «بالغاً» صفتش است (رد گزینه «۴»؛ **نقش‌های دستور زبانی**)

۱۰۹. **گزینه ۴** ﴿ ۱- ضمیر در «نفسه» ترجمه نشده (رد گزینه «۱»؛ **ضمیرها**) ۲- «یَجَاهِدُ» فعل شرط و مضارع است (رد گزینه «۳»؛ **زمان فعل‌ها**) ۳- «و هو مؤمن» جمله حالیه است (رد گزینه‌های «۱» و «۲»؛ **نقش‌های دستور زبانی**) ۴- دلیلی ندارد جمله حالیه‌مان در زمان ماضی ترجمه شود (رد گزینه «۳») ۵- «یَدْخُلُ» لازم است نه متعدی (رد گزینه «۳»؛ **لازم و متعدی بودن فعل‌ها**) ۶- «العدل الإلهی» ترکیب وصفی است نه اضافی (رد گزینه «۲»)

شود نه ماضی بعید، ضمن اینکه «لم یَذکر» جمله وصفیه است نه جمله حالیه!
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) کان + مضارع داریم، «أفراخ» جمع است، «مزرعة»، اول نکره آمده و بعد معرفه! / ۲) «عیون» جمع است، «لا تكون» هم مضارع منفی است. / ۴) اسلوب حصر داریم.

۱۰۳. **گزینه ۲** ﴿ **بررسی سایر گزینه‌ها:**
۱) الطعام الّذی (کلّ طعام)، لا یَذکر (لا یُذکر؛ «برده نشود» مجهول است؛ **معلوم و مجهول بودن فعل‌ها**)، له (فیه) / ۳) الطعام (طعام؛ «غذایی» نکره است؛ **معرفه و نکره بودن اسم‌ها**)، لم یَذکر (لا یُذکر؛ مضارع می‌خواهیم؛ **زمان فعل‌ها**)، لیست (لا؛ «لا»ی نفی جنس می‌خواهیم؛ **حروف سرنوشت‌ساز**) / ۴) «إذا» اضافی است (**حذف و اضافه**)، لیست (مانند «۳»)، له (مانند «۱»)

۱۰۴. **گزینه ۱** ﴿ **بررسی گزینه‌ها:**
۱) بادها می‌وزند به‌سمتی که کشتی‌ها نمی‌خواهند. (عبارت عربی گفته که با قضا و قدر نمی‌توان جنگید اما شعر فارسی بیان کرده که به دنیا اعتمادی نیست!) / ۲) همچون برادران زندگی کنید و همچون بیگانگان معامله کنید. (هم‌مفهوم با عبارت عربی) / ۳) مردم دشمنان چیزی‌اند که ندانسته‌اند. (شعر فارسی هم گفته که دشمنی می‌تواند از سر نادانی باشد.) / ۴) شاید چیزی را ناپسند بدارید درحالی‌که برایتان خوب است (شعر فارسی هم گفته که گاهی چیزی که دوست نداریم به نفعمان است.)

۱۰۵. **گزینه ۴** ﴿ **ترجمه عبارت سؤال:** قطعاً خداوند آنچه را که درون قومی هست تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنچه درونشان هست را تغییر بدهند. **بررسی گزینه‌ها:**

۱) گفته که «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد!» / ۲) تسلیم‌پذیری در برابر خداوند را بیان کرده! / ۳) تمام هستی را از آن خدا دانسته! / ۴) همانند عبارت سؤال گفته که سرنوشت‌مان به دست خودمان است.